

DOI: [10.30512/KQ.2023.19100.3529](https://doi.org/10.30512/KQ.2023.19100.3529)

تحلیل مؤلفه‌ای مفهوم «فاحشه» در قرآن کریم با واکاوی ریشه‌شناسی تاریخی و روابط هم‌نشینی*

حدیث ریاحی^۱

بی‌بی سادات رضی بهابادی^۲

فریده امینی^۳

چکیده

فاحشه از واژه‌های حوزه معنایی مفهوم گناه در قرآن کریم است. برای تبیین هر مفهوم در نظام معنایی قرآن کریم، علاوه بر تمرکز بر باهم‌آیندهای آن، التفات به معنای واژه در زبان‌های سامی از اهمیت خاصی برخوردار است که در این راستا، ریشه‌شناسی تاریخی خودنمایی می‌کند. این مطالعه عهده‌دار تبیین و تدقیق معنای فاحشه در قرآن کریم با روش‌های معناشناسی است که تاکنون با رویکرد جامع معناشناسانه و تبیین جایگاه آن در نظام معنایی قرآن پرداخته نشده است. ریشه‌شناسی کاربردی این ریشه را در معانی از حد گذراندن و سبقت نمودن و کندی و تأخیرکردن در زبان‌های اکدی، آرامی و عبری نشان می‌دهد. لغت‌شناسان نیز افزون بر ذکر مصادیق آن، خروج از اعتدال، عدم موافقت با حق و شدت در امر را در معنای آن یاد کرده‌اند. مؤلفه‌های معنایی فحشاء در چهار سطح چیستی و ماهیت، نهی الهی، امر شیطان و مواجهه انسان با فحشاء قابل ارائه است. در سطح چیستی و ماهیت، مؤلفه خروج از اعتدال در باهم‌آیندهای آن نیز خودنمایی می‌کند. افزون بر آن، همراهی واژه‌های «مبینه» و «تبصرون»، نشانی از وضوح زشتی آن است. بررسی روابط هم‌نشینی حاکی از آن است که فحشاء هم در سطح قول و هم در سطح فعل قابل ارزیابی است. بافت آیات از دوگونه‌بودن آن؛ یعنی فعل و نیت خبر می‌دهد. قرآن کریم هیچ‌یک از افراد جامعه را از ارتکاب فحشاء مصون نمی‌داند و به قدرت بازدارندگی نماز، برهان و اخلاص در عدم ارتکاب آن اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی: روابط هم‌نشینی، ریشه‌شناسی تاریخی فاحشه، فاحشه، قرآن کریم.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکترا دانشگاه الزهراء / hadisriahy83@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء، مطالعات قرآن و حدیث / b.razi@alzahra.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه الزهراء / famini@alzahra.ac.ir

**مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۱- بیان مسأله

گناه از مفاهیم کلیدی و پربسامد قرآن کریم است و در بحث از آن، با حوزه معنایی گسترده‌ای روبه‌رو هستیم که مفاهیم متعدد به یکدیگر پیوند خورده است. این تنوع نباید نادیده انگاشته شود؛ بلکه باید هر واژه در بافت و زمینه خود و با توجه به هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی بررسی شود. در قرآن و عهدین قریب ۲۰ واژه متفاوت مفهوم گناه را تداعی می‌کند (Lipinski, 2007, Vol.18, p.621).

یکی از واژگان پرکاربرد این بافت معنایی، فاحشه است. ماده سه حرفی (ف/ح/ش) منحصرأ در دو ساخت اسم «فحشاء» و «فاحشه» و به شکل صرفی جمع مکسر (فواحش) با بسامد ۲۳ مرتبه در ۲۲ آیه به کار رفته است. از این تعداد، ۶ بار به شکل صرفی اسم مؤنث مجازی و در قالب واژه «فحشاء» در ۵ آیه، ۱۳ بار در قالب «فاحشه» و ۴ مرتبه به صورت جمع مکسر «فواحش» بیان شده است. کاربست فعلی این ریشه در قرآن کریم دیده نمی‌شود. غالب مفسران با توجه به سیاق، در برخی از آیات آن را گناه کبیره (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۴۳/ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۱/ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۳۴/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۰۴/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۶/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۹/ مراغی، بی تا، ج ۲۶، ص ۸۶/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۷۶) و در برخی آیات، آن را مطلق گناه معنا نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۴۳/ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۱/ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۵/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۰۴/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۲/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۱/ مراغی، بی تا، ج ۱۵، ص ۸۶/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۸). علامه طباطبایی آن را هر عملی که متضمن زشتی باشد و بیش‌تر در زنا استعمال می‌شود، می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۸۶).

معناشناسی با بهره از ابزارهای زبان‌شناسی می‌تواند صورت‌بندی دقیق‌تری از معنای یک واژه بیان کند. معناشناسان می‌کوشند برای تدقیق معنای واژه‌ها، مفهوم آن‌ها را به مؤلفه‌هایی تجزیه کنند. معنای هر واژه از مؤلفه‌هایی ترکیب یافته است که می‌توان آن‌ها را از طریق تحلیل مؤلفه‌ای بازشناخت (صفوی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۷). منظور از تحلیل مؤلفه‌ای، تحلیل مفهوم یک واژه بر حسب اجزاء تشکیل‌دهنده آن است که روابط هم‌نشینی واژه‌ها ابزاری مناسب برای آن است (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹). مطالعه کنونی را می‌توان کوششی برای تدقیق معنای فاحشه در صورت‌بندی مفهوم گناه در قرآن کریم دانست. می‌خواهیم با تحلیل واژگان هم‌نشین و جانشین و بررسی معنای ریشه آن در زبان‌های باستانی، مؤلفه‌های معنای بنیادین این واژه در قرآن کریم را بازشناسیم و درک صحیحی از مؤلفه‌های معنایی آن داشته باشیم. هدف آن است که دریابیم: اولاً، هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی چیست؟ و ثانیاً، آیا ریشه سامی این واژه، می‌تواند مؤیدی بر مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن باشد؟ و ثالثاً، مؤلفه‌های معنایی فاحشه در قرآن کریم چگونه تحلیل و ترسیم می‌شود؟ ره‌آورد چنین کوششی ترسیم صورت‌بندی گناه بر اساس مفهوم فاحشه در قرآن کریم است.

۲- پیشینه

از نخستین تلاش‌ها با روش معناشناسی تاریخی و توجه به تحولات معنایی یک واژه، می‌توان از ریشه‌شناسی تا کاربردشناسی به قلم ایوسویتز نام برد. از دیگر مطالعات نخستین هم‌سو با این نوشتار، می‌توان از مقاله «رویکردی ریشه‌شناختی به ماده قرآنی عزم» (مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ۱۳۹۶، شماره ۲) به قلم احمد پاکتچی یاد کرد. مؤلف این مقاله، پس از بررسی گزینه‌های محتمل در ریشه‌یابی ماده عزم در زبان‌های سامی و با تأکید بر انواع مسیرهای ساخت این ریشه، از کتب لغت و کاربردهای قرآنی نیز بهره می‌برد. همین نویسنده در مقاله «ریشه‌شناسی واژه قرآنی قیوم» (مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۵، شماره ۱) با کاربرست همین روش به مطالعه موردی واژه «قیوم» پرداخته و بر کاربردهای قرآنی این واژه و بررسی باهم‌آیندها تأکید بیشتری دارد.

هر چند در شناخت حوزه معنایی گناه در قرآن کریم در فرهنگ‌ها و تفاسیر فراوان سخن رفته، اما بیان دقیق شبکه معنایی هر واژه در این حوزه با کاربرست روش‌های جامع معناشناسی، صرفاً دو پژوهش با عنوان «صورت‌بندی گناه در قرآن بر مبنای معناشناسی ذنب» به قلم فاطمه آگهی و مهدی جلالی (مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۳۹۸، شماره ۶۶) و «معناشناسی ساختگرای مفهوم سیئه در قرآن کریم» با تلاش فاطمه عشقی و محمدعلی خوانین‌زاده (دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۹، شماره ۲۰) را می‌توان نام برد. در پژوهش نخست، نویسنده با بررسی روابط هم‌نشینی و ریشه‌شناسی تاریخی به بیان دقیق شبکه معنایی ذنب، و در پژوهش دوم، مؤلف با بهره‌گیری از معناشناسی ساخت‌گرا به بیان ویژگی‌های معنایی سیئه در قرآن کریم پرداخته است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر به جهت بررسی ریشه واژه در زبان‌های سامی از ریشه‌شناسی تاریخی و به منظور تعیین مؤلفه‌های معنایی فاحشه در قرآن کریم با جستاری در واژه‌های هم‌نشین و جانشین از معناشناسی ساختاری بهره می‌بریم.

در ریشه‌شناسی تاریخی به مطالعه در زمانی می‌پردازیم. در این مطالعه به تغییرات معنای واژه و فرآیند ساخت آن در طول زمان و نیز ریشه اصلی واژه و وام‌واژه بودن آن پرداخته می‌شود. هر زبان به دلیل موقعیت جغرافیایی و امکان وام‌گیری و اثرگذاری می‌تواند واژه را از نیای زبانی خود دریافت کند. زبان‌هایی را که از مدیترانه تا فرات و از بین النهرین تا جنوب عربستان مورد استفاده بودند، زبان سامی می‌نامند که بعضی از آن‌ها مرده و بعضی دیگر تاکنون زنده‌اند، زبان‌هایی مانند اکدی، عبری، آرامی، سریانی، حبشی و عربی (پالمر، ۱۳۸۱، ص ۸). برای ریشه‌شناسی الفاظ قرآنی، مقایسه چهار شاخه و زیرشاخه با زبان عربی لازم به نظر می‌آید. هر کدام از این چهار شاخه یک زبان محوری در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: اکدی، عبری، یمنی و حبشی و نیز در زبان آرامی، زبان سریانی بررسی می‌شود.

در معناشناسی ساختاری به یک مطالعه هم‌زمانی می‌پردازیم. به این معنا که ارتباط یک واژه با واژه‌های دیگر در سطح جمله و متن یعنی روابط هم‌نشینی و سیاق بررسی می‌شود. روابط هم‌نشینی، یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام بوده و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. معناشناسی از وجود سه نوع رابطه مکملی، اشتدادی و تقابلی میان دو واژه بحث می‌کند. مراد از روابط مکملی، نوعی از روابط معنایی است که بر پایه ساختار نحوی بین دو واژه برقرار می‌گردد. رابطه اشتدادی، رابطه دو مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند و در مقام تقویت و معاضدت یکدیگرند. تقابل معنایی نیز، رابطه دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض و در مقام تضعیف و نفی هم هستند. به عبارتی، در عین اتحاد در کلیت معنا، از دیگر جهات با یکدیگر افتراق دارند (قانع، ۱۳۹۶، ص ۷).

در معناشناسی زبانی، به فرآیند هم‌نشین شدن واحدهای واژگانی بر روی محور هم‌نشینی، «هم‌نشین معنایی» گویند (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۵۴). رابطه جانیشینی رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به عبارت دیگر، جانیشینی معنایی، انتخاب و جایگزینی یک نشانه به جای نشانه‌ای دیگر بر حسب تشابه است (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹). در این مقاله، علاوه بر ریشه‌شناسی تاریخی واژه «فاحشه»، از کاربرست معناشناسی ساختاری با تأکید بر واژگان هم‌نشین برای تعیین شبکه معنایی این واژه در قرآن کریم بهره می‌بریم.

۴- بررسی مؤلفه‌های معنایی فاحشه

در این بخش به منظور یافتن مؤلفه‌های معنایی فاحشه در زبان عربی، در گام نخست به بررسی ریشه آن در کتب لغت و یافتن تعدد معنا و تغییرات آن در آراء لغت‌شناسان پرداخته و در گام بعدی با کاوشی در نیای این واژه در زبان‌های سامی، احتمال وام‌واژگی آن را بررسی می‌کنیم.

۴-۱- مؤلفه‌های معنایی فاحشه در کتب لغت

در این بخش با نگاهی به نظرات لغت‌شناسان، وجود یا عدم وجود تعدد معنا در یک زمان و سیر تطور معنایی در طول زمان را می‌یابیم. نویسنده جهت تسهیل درک تغییرات معنا (تضییق و بسط)، دیدگاه دانشمندان لغت را در سه بازه زمانی بررسی کرده و لغت‌شناسان قرن ۲ تا ۴ را متقدم، قرن ۵ تا ۱۰ را متأخر و پس از آن را معاصر نام‌گذاری کرده است.

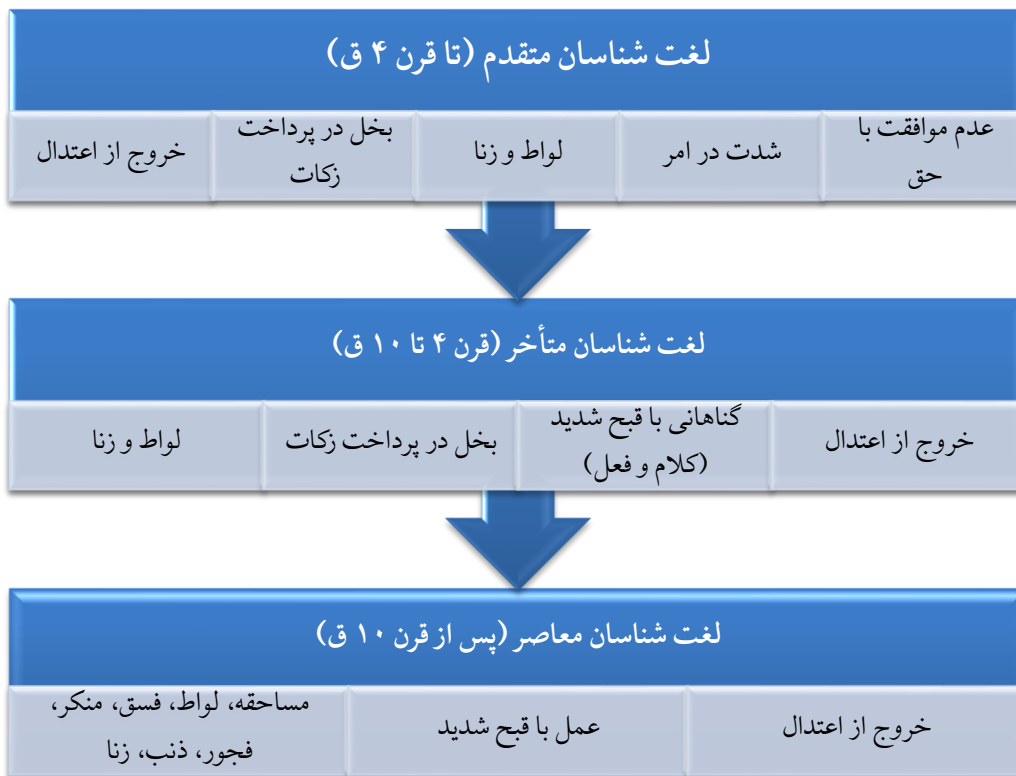
یکی از معانی این ماده، عدم موافقت با حق یاد شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۹۶/ ازهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۱/ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۳، ص ۱۲۶۰). افزون بر این، از کهن‌ترین کتب لغت، اشاره به مؤلفه خروج از اعتدال برای این واژه دیده می‌شود (ازهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۲/ جوهری، ج ۳، ص ۱۰۱۴/ عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۲۷، ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۸). فراهیدی و ازهری خروج زن از منزل بی اذن همسر و زنا را از مصادیق فاحشه مبین دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۹۶/ ازهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۱). ابوعبید شدت در

امر را در معنای آن یاد کرده است (ابو عبید، ۱۳۱۰، ص ۱۰۹). ابو هلال عسکری (زنده در ۳۹۵ ق) نیز، بر این مؤلفه معنایی تأکید می‌کند (ابوهلال، ۱۴۰۰، ص ۳۰۸). ازهری به معنای بخل در انفاق و پرداخت زکات نیز اشاره می‌کند (ازهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۱). صاحب، زنا را و ابن فارس، لواط را و ازهری لواط و زنا را از مصادیق فاحشه برشمرده‌اند (صاحب، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۳ / ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۸ / ازهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۱).

پس از آن دیگر لغویان نیز با افزودن مؤلفه قبح شدید، فاحشه را معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۰ / حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۱۱۸ / ابن اثیر، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۲۷ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۵). زمخشری در مقدمه «الادب» به قبح شدید (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۴۸) و در «الفائق فی غریب الحدیث» به خروج از اعتدال اشاره می‌کند (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۰). برخی قبح را در فعل و برخی دیگر از لغویان به مانند ابن منظور در کلام و فعل می‌دانند. فیروزآبادی و ابن منظور افزون بر موارد ذکر شده، به بخل در پرداخت زکات نیز اشاره کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴۳ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۸). ابن منظور زنا، لواط و خروج زن از منزل بی‌اذن همسر را از مصادیق فحشاء برشمرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۵).

پس از قرن ۱۰ هجری، لغت‌شناسان گناهمانی را که دارای قبح شدید بوده و غالباً زنا و لواط را در معنای آن یاد کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۴۶ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۵۷). در میان آنان، مصطفوی با تأکید بر مفهوم خروج از اعتدال برای معنای این واژه، زنا و لواط را از مصداق‌های اصلی آن بر شمرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۳۵). در «المکنز العربی المعاصر»، بدون اشاره به هسته معنایی آن در اظهار نظر اجتهادی، مفاهیم فسق، فجور و منکر را هم معنی با فاحشه دانسته است (گروهی از مؤلفان، ۱۴۱۴، ص ۸۵). قرشی، از دیگر لغویان معاصر، فاحشه را عمل بسیار زشت برشمرده و ذنب، منکر، فجور و لواط را در ترادف با آن ذکر کرده است (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۱۵۳). موسی در «الافصاح»، قبح شدید در قول و فعل را فحشاء معنا می‌کند و مصداقی از آن را ذکر نمی‌کند (موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۲).

از برآیند آنچه گفته شد، می‌توان آراء لغت‌شناسان را به شکل زیر ترسیم کرد:



۴-۲- مشتقات ریشه فاحشه در زبان‌های سامی

زبان عربی در کنار زبان‌هایی مانند عبری، آرامی، اکدی و فنیقی، یکی از شاخه‌های زبان‌های سامی به شمار می‌آید و زبان سامی در کنار زبان‌های مصری، بربری، کوشی و چادی شاخه‌ای از زبان‌های آفرآسیایی است. زبان هر یک از اقوام آسیایی، پس از هجرت از موطن اولیه در طول تاریخ دست‌خوش تغییراتی شد؛ برخی واژگان دچار توسعه یا تضییق معنایی شدند، واژگانی فراموش شدند و واژگان جدیدی در بستر جغرافیایی، فرهنگی و زمانی جدید شکل گرفتند. این تغییرات زبانی با تغییرات صرفی، نحوی و آوایی همراه بودند تا آنجا که زبان هر یک از اقوام، هم‌چون زبانی مستقل شکل گرفت. با این حال، هم‌چنان اشتراکاتی میان این زبان‌ها به وضوح دیده می‌شود که نتیجه تاریخ مشترکشان در اعصاری کهن‌تر است (آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). بررسی این اشتراکات به جهت دریافت هسته معنایی یک واژه و اعتبارسنجی مؤلفه‌های معنایی آن در کتب لغت ضروری است.

یکی از زبان‌های اصلی منطقه شمالی حاشیه‌ای شبه جزیره عربستان، زبان اکدی است. اکدی نامی است برگرفته از شهری باستانی به نام اکد که در جنوب رود دجله قرار داشته است. در معتبرترین فرهنگ‌های اکدی (Black, 2000, pp. 293-294) واژه‌ای در مقوله صرفی فعل، به شکل آوایی fahesh (فحش) و در معنای

شتاب در باریدن، عجله کردن، تأخیرداشتن و کندی کردن دیده می‌شود که به سبب شکل آوایی آن، می‌تواند پیوندی با ریشه (ف/ح/ش) در زبان عربی داشته باشد. در زبان عبری از زبان‌های مهم شمالی مرکزی، شناخته‌ترین و نزدیک‌ترین زبان به زبان کنعانی، شکل آوایی fahesh (فَحِش) به معنای سبقت نمودن در مسابقه و از حد گذراندن کاربرد داشته است (Gesenius, 1939, pp.912-916) که شاهدی بر اشتراک لفظی این واژه در دو زبان عبری و اکدی است.

زبان آرامی دومین زبان عمده شرق مدیترانه است در معتبرترین فرهنگ‌های آرامی کهن (Jastrow, 1903, vol.2, pp.1438-1444) واژه‌ای کاربرد داشته که به دلیل شکل مقلوب آوایی آن، می‌تواند نیایی برای ریشه (ف/ح/ش) در زبان عربی باشد. این واژه به شکل آوایی shahf (شَاحف) و به معنای فراخ‌روی، لبریز کردن حوض از آب و پرکردن توشه از توشه‌دان است. با در نظر گرفتن احتمالات وام‌واژگی مانند مقلوب شدن شکل واژه، وام‌واژگی آن دور از ذهن نمی‌نماید. زبان سبئی، گسترده‌ترین گویش در زبان عربی جنوب کهن است. در معتبرترین فرهنگ‌های موجود این زبان (Beeston, 1982, p.114) واژه‌هایی که احتمالاً می‌توانند پیوند نزدیکی با ریشه «ف/ح/ش» در زبان عربی داشته باشد، دیده نمی‌شود.

۴-۳- تحلیل معنای فاحشه در زبان عربی

داده‌های ریشه‌شناسی، آراء لغت‌شناسان متقدم در معنای فاحشه را تأیید می‌کند. دریافت‌های ریشه‌شناسی، در زبان‌های اکدی، عبری و آرامی نشان داد که کاربرد مفاهیمی مانند: عجله کردن، از حد گذراندن و تأخیرداشتن و کندی کردن در زبان‌های سامی، شاهدی بر وجود مفهوم خروج از اعتدال ذکر شده در نظرات لغویون متقدم، در هسته معنایی فاحشه است.

بر اساس انحصار معنای عدم موافقت به حق در نظرات لغت‌شناسان متقدم و نبود هم‌زادها در زبان نیای عربی در این معنا، می‌توان گفت این معناسازی از فاحشه (عدم موافقت با حق) احتمالاً در زمانی نزدیک به نزول قرآن اتفاق افتاده یا نشانی از کاربست آن در فرهنگ قرآنی است.

از جمله نشانه‌های واژگان اصیل در یک زبان، میزان تصریف و حجم واژگانی است که در یک زبان از یک ریشه ساخته شده باشد. از این رو، با توجه به تصریف نداشتن این ماده در زبان عربی، به نظر می‌رسد واژه یادشده تحت تأثیر عامل خارجی به عربی راه یافته و در این زبان درونی نشده است.

۵- مفاهیم هم‌نشین با فاحشه در قرآن

در ادامه و با مروری بر کاربردهای قرآنی فاحشه و مشتقات آن، در پی دستیابی به مؤلفه‌های معنایی این مفهوم در ردیابی مفاهیم هم‌نشین آن هستیم. در آیات قرآن مفاهیم مختلف با پراکندگی تقریباً یکسان در حوزه معنایی فاحشه در قرآن قرار گرفته‌اند. در برخی کاربردهای مفهوم مزبور منهی خداوند و در مقابل مورد امر شیطان است. در برخی کاربردها شاهد مواجهه انسان در برابر فحشاء هستیم و برخی کاربردها به مصادیق این

مفهوم پرداخته‌اند که همه موارد در کنار هم می‌تواند در صورت‌بندی بافت فاحشه مؤثر باشند. آنچه در ادامه پژوهش مورد دقت قرار می‌گیرد، بررسی هریک از مؤلفه‌های معنایی در صورت‌بندی بافت فاحشه با بررسی قربت‌ها و تقابل‌های معنایی است.

۱-۵- چستی فحشاء

از یک سو، بافت معنایی فحشاء در قرآن کریم حکایت از سطوح مختلف ارتکاب آن (قول و فعل) می‌کند و از سوی دیگر، بررسی باهم‌آیندهای مشتقات این ریشه، مؤلفه‌هایی را از شبکه معنایی آن آشکار می‌کند که عبارتند از: خروج از اعتدال، وضوح زشتی، دو گونه بودن (ظاهری و باطنی). به علاوه، هم‌نشینی مفاهیم متعددی، نهی خداوند متعال و امر شیطان در ارتکاب آن را نشان می‌دهد. مواجهه انسان در مسأله فحشاء، فرمان‌برداری یا ارتکاب امر شیطان است. وعده فقر و خطوات شیطان بسترهای لازم جهت نیل انسان به فحشاء را مهیا می‌کند و در پی ارتکاب آن، پیامدهای دنیوی و اخروی متعددی رخ می‌دهد. بافت آیات فحشاء باهم‌آیندهای آن از نیروی خودکنترلی و عدم اصرار بر گناه در اهل ایمان حکایت دارد و عوامل بازدارنده‌ای را در نیل به ارتکاب به فحشاء برمی‌شمرد که عبارتند از: اقامه نماز، رؤیت برهان، اخلاص و فضل الهی. در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۵- خروج از اعتدال

هم‌نشینی مفاهیمی مانند: ظلم، بغی و کبائر الاثم در هم‌نشینی با بافت معنایی فحشاء می‌تواند شاهدی جهت ارزیابی مفهوم خروج از اعتدال در دریافت‌های ریشه‌شناسی باشد. این مفاهیم با بسامدهای متفاوت در رابطه اشتدادی با مشتقات فحش بیان شده است. بغی در لغت به معنای درگذشتن از میانه است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۵۳/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۶). در آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (اعراف: ۳۳/۷) رابطه اشتدادی با فواحش بیان شده است. واژه «ظلم» نیز در آیه ﴿وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (آل عمران: ۱۳۵/۳) در باهم‌آیند فاحشه است. لغویون ظلم را به معنای قرارگرفتن چیزی به جهت نقصان، زیادت و یا عدول زمانی و یا مکانی در غیر از جایی که مخصوص اوست، می‌دانند (ازهری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۸۹/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۴). در این معنا نیز، خروج از اعتدال نهفته است. مفهوم اثم در آیه در عبارت ﴿وَ الَّذِينَ يَجْتَبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشِ﴾ (شوری: ۳۷/۴۲؛ نجم: ۳۲/۵۳) در هم‌نشینی با فواحش به چشم می‌خورد. در بیان مفهوم «اِثْم»، لغت‌شناسان مؤلفه‌کندی و تأخیر را برمی‌شمردند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۹۱/راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۶۳). بنابراین، می‌توان خروج از اعتدال در بافت معنایی فاحشه را افزون بر دریافت‌های ریشه‌شناسی، در باهم‌آیندی با «ظلم»، «بغی» و «اِثْم» نیز مشاهده کرد.

۵-۱-۲- وضوح زشتی

کاربست صفت «مُبَيَّنَةٌ» در یک رابطه مکملی (نساء: ۱۹/۴؛ احزاب: ۳۰/۳۳؛ طلاق: ۱/۶۵) و باهم‌آیندی واژه «مَقْت» در یک رابطه اشتدادی با فاحشه، نشانی از وضوح زشتی فاحشه است. پیش‌تر و در معنای لغوی رفت که این ماده در خود از مؤلفه شدت در امر برخوردار است، باهم‌آیی صفت «مُبَيَّنَةٌ» بیش از قبل این مسأله را تشدید می‌کند. تأیید دیگری در معنای از حدگذراندن و قبح شدید، معنای کثرت در مبالغه در وزن تفعیل است که از واژه «مُبَيَّنَةٌ» حاصل می‌شود. افزون بر هم‌نشینی صفت «مُبَيَّنَةٌ»، باهم‌آیندی واژه «تُبَصِّرُونَ» در آیه ﴿وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبَصِّرُونَ﴾ (نمل: ۵۴/۲۷) نیز شاهدی بر وضوح زشتی آن است. طبرسی ذیل این آیه، به آگاهی قوم لوط به زشتی عملشان اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۴۲).

۵-۱-۳- منهی الهی و امر شیطان

در بررسی مفاهیم هم‌نشین مشتقات فحش، کاربست افعالی دیده می‌شود که نشان از حالت بازدارندگی فرد در ارتکاب به فحشاء از سوی خداوند هستیم. باهم‌آیندی مفاهیمی مانند: «لَا يَأْمُرُ» (اعراف: ۲۸/۷)، «حَرَّمَ» (اعراف: ۳۳/۷)، «يُنْهَى» (نحل: ۹۰/۱۶) و «لَا تَقْرُبُوا» (اسراء: ۳۲/۱۷) از سوی خداوند نشان از نهی و منع الهی در خصوص این مسأله است. لازم به ذکر است که تقریباً در کلیه کاربردها، مطلق فحشاء مورد نهی قرار گرفته و جز در یک مورد مصداقی ارائه نشده است. نظر به اینکه فحشاء تعدی از حدود الهی و نوعی خروج از اعتدال محسوب می‌شود، موارد باهم‌آیند نشان می‌دهند که نهی الهی در خصوص این مسأله درصدد جلوگیری از انحراف انسان است. در بررسی باهم‌آیندهای بافت معنایی فحشاء، در تقابل با نهی الهی شاهد امر شیطان در خصوص مسأله فحشاء هستیم. مفهوم امر در آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ (بقره: ۲/۲۶۸)، در یک رابطه مکملی با فحشاء به کار رفته است. قریب همین مضمون در آیه ﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۱۶۹/۲) نیز دیده می‌شود.

۵-۱-۴- گونه‌های فحشاء

بررسی کاربردهای قرآنی فحشاء در قرآن بیانگر آن است که این گناه هم در سطح فعل و هم در سطح قول قابل ردیابی است. آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾ (نور: ۱۹/۲۴) اشاره به رواج فحشاء از سوی منافقان دارد که در این کاربرد، با فحشاء قولی مواجهیم. این واژه در برخی از آیات به مانند آیه ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (اسراء: ۳۲/۱۷)، به فحشاء فعلی اشاره دارد و در آیاتی مانند ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ

الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿﴾ (نحل: ۱۶ / ۹۰) فحشاء می‌تواند اعم از قول و فعل باشد.

باهم‌آیی ظهر و بطن با این مفهوم بیانگر آن است که فحشاء از دو گونه پنهان و آشکار برخوردار است، خداوند متعال در آیات ۳۳ سوره اعراف و ۱۵۱ سوره انعام با عبارت ﴿الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ﴾ از پنهان و آشکاربودن فاحشه سخن می‌گوید. پنهان‌بودن از یک سو، می‌توان به معنای درونی و باطنی‌بودن برخی فواحش مانند نیت و تصور ارتکاب فعل زشت و از سوی دیگر، گناهایی را شامل شود که شخص در پنهان مرتکب شود (به مانند زنا). با توجه به انتساب فاحشه به محسنین و سپس استغفار آنان (آل‌عمران: ۳ / ۱۳۵) و لحاظ‌کردن ممیزهای برتر این گروه در قرآن کریم (ذاریات: ۵۱ / ۱۶-۱۹)، می‌توان گفت که فاحشه لزوماً در فعل نبوده و برخی از نیت و تصورات گناهان نیز از منظر قرآن فاحشه منسوب می‌شود. شاهدی دیگری بر آن دقت در روایتی از امام صادق در تبیین واژه «الَلَمَم» در عبارت «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَثَمِ وَ الْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ» (نجم: ۵۳ / ۳۲) است. این آیه در بیان یکی از ویژگی‌های محسنین «الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»، خبر از ارتکاب فاحشه به اندازه لَمَم دارد. ابن‌عمار در روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که «لَمَم» این است که کسی بر گناهی تصمیم بگیرد و بعد استغفار کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۲). به عبارتی، محسنین مرتکب فاحشه درونی می‌شوند که صرفاً در دل می‌گذرد و سپس، با یاد خدا از آن استغفار می‌کنند. ازاین‌رو، فاحشه می‌تواند در فعل و نیت مصداق پیدا کند و از مؤلفه‌های معنایی فاحشه می‌توان به ظاهری و باطنی بودن آن اشاره کرد.

۵-۲- مصادیق فحشاء

مصادیق فحشاء در قرآن کریم، در برخی از آیات، زنا (نساء: ۴ / ۱۵؛ یوسف: ۱۲ / ۲۴؛ اسراء: ۱۷ / ۳۲) و در برخی دیگر، با در نظر گرفتن سیاق، قطع روابط زناشویی و شهوت‌رانی با مردان از مصادیق فاحشه است (نمل: ۲۷ / ۵۴؛ عنکبوت: ۲۹ / ۲۸؛ اعراف: ۷ / ۸۰). به همین دلیل، می‌توان گفت زنا و هم‌جنس‌گرایی - لواط و مساحقه - از مصادیق آن است (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۷۰). در آیه ﴿وَ لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً﴾ (نساء: ۴ / ۲۲) نیز، خداوند متعال ازدواج با محارم با مصداق همسر پدر را فاحشه و مقت بر می‌شمرد. لازم به ذکر است که با توجه به روایات و نظر مفسران، مقصود از فاحشه ذیل آیه ﴿إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ﴾ (طلاق: ۶۵ / ۱)، گناهان ظاهر و فاش از قبیل زنا یا ناسزا یا اذیت اهل خانه برشمرده شده و بنابراین، اعم از زناست (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۴ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۵۱ / زمخشری، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۰۳ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۱ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۹، ص ۵۲۹ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۵۸). آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ (بقره: ۲ / ۲۶۸) به بخل‌ورزیدن در پرداخت زکات و انفاق آن اشاره دارد و آن را

فحشاء بر می‌شمرد و ترس از فقر بر اثر انفاق طیب را وسوسه شیطانی می‌داند. آیه ﴿وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا﴾ (اعراف: ۲۸/۷) به عادت زشتی که در میان مردم دوران جاهلیت معمول بوده است، اشاره می‌کند و طواف زن و مرد گرد خانه خدا به صورت عریان را مصداق فحشاء می‌داند. با توجه به سیاق و نهی الهی از عریانی، عریان شدن زن و مرد در جامعه و در برابر هم، فحشاء به شمار می‌آید. بنابراین، از ۲۳ مرتبه کاربرد فحشاء در قرآن کریم، در ۶ آیه گناهان جنسی مصداق فحشاء و مشتقات آن است.

۵-۳- مواججه انسان در برابر فحشاء

آنچه نوع مواججه انسان در مسأله فحشاء را مشخص می‌کند، فرمان‌برداری او نسبت به امر الهی یا امر شیطان است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱- سرپیچی و تمرد از امر خدا

در باهم‌آیی با فحشاء، شاهد مفاهیمی هستیم که نشان از تعجیل و شتاب در سرپیچی از اوامر الهی و فرمان‌برداری از امر شیطان است که عبارتند از: آتی، فعل، شیع. وعده فقر و خطوات شیطان، بسترهای لازم جهت نیل انسان به فحشاء را مهیا می‌کند و در پی ارتکاب آن، پیامدهای دنیوی و اخروی متعددی رخ می‌دهد. در ادامه به تشریح موارد یادشده پرداخته می‌شود.

واژه «تَأْتُونَ» در ۳ آیه، در رابطه مکملی با فاحشه به کار رفته است (اعراف: ۷/ ۸۰؛ نمل: ۲۷/ ۵۴؛ عنکبوت: ۲۹/ ۲۸). این آیات به قبیح عمل لوط و آگاهی آن‌ها به زشتی عملشان می‌پردازد که حاکی از مؤلفه شتاب و سبقت و به نوعی، بی‌پروایی در انجام قبیح یا حتی اصرار بر انجام آن است. فعل «فَعَلُوا» در آیه ﴿وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف: ۲۸/۷)، در یک رابطه مکملی با فاحشه به کار رفته و به سنت‌های قبیحی که بین مشرکین مرسوم بوده است، اشاره می‌کند.

در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور: ۱۹/۲۴)، کاربرد فعل «تَشِيعَ» در باهم‌آیندی با فاحشه به جهت اشاره به رواج فاحشه از سوی منافقان است. لازم به ذکر است که در این کاربرد، با فحشاء قولی مواججه هستیم و موارد قبل، در زمره فحشاء فعلی قرار دارند. اطاعت از امر شیطان در مسأله فحشاء، به نوعی انحراف از مسیر حق و خروج از اعتدال به شمار می‌رود.

۵-۳-۲- فقر ابزار شیطان

فقر یکی از باهم‌آیندهای واژه فحشاء است که در بافت دیگر واژگان مفهوم گناه دیده نمی‌شود. با توجه به مضمون آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲/۲۶۸)، وعده فقر ابزاری در دست شیطان برای نیل انسان مؤمن به سمت فحشاء و بخل‌ورزی در ادای انفاق است. در آیه قبل، خداوند مؤمنان را امر به انفاق کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ (بقره: ۲/۲۶۷) و در این آیه، خودداری مؤمنان از انفاق مال طیب را به انگیزه ترس بیان کرده است. این خوف از ناحیه شیطان بوده که بتدریج این امساک و بخل، مؤمن را به سمتی می‌برد که نمی‌تواند به آسانی اوامر و فرامین الهی مربوط به واجبات مالی را اطاعت کند و گرفتار تأخیر و کنندی در امتثال امر الهی می‌گردد. در ۳ آیه از بافت معنایی فحشاء، امر شیطان به ارتکاب آن بیان شده است (بقره: ۲/۱۶۹ و ۲/۲۶۸؛ نور: ۲۴/۲۱). مضمون آیات حاکی از آن است که شیطان به سبب شدت قبح فحشاء، برای ارتکاب انسان به آن، از دو ابزار استفاده می‌کند: نخست، ترس از فقر: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ﴾ و وسوسه‌های درونی، دوم، گام به گام و بتدریج با سوق دادن انسان و ارتکاب گناهان متفاوت، بستر لازم را برای ارتکاب فحشاء در انسان مؤمن آماده می‌کند: ﴿مَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ﴾ (نور: ۲۴/۲۱). سرپیچی از امر الهی و امتثال به امر شیطان، پیامد عذاب را به همراه خواهد داشت که بروز آن را هم در عرصه دنیا و هم آخرت شاهدیم.

۵-۳-۳- پیامد ارتکاب فحشاء

در چهار آیه از آیات بافت معنایی فحشاء و در هم‌نشینی با آن، از عذاب دنیوی و اخروی به عنوان پیامد ارتکاب آن سخن آمده است (نساء: ۴/۱۵ و ۲۵؛ نور: ۲۴/۱۹؛ احزاب: ۳۳/۳۰). در آیه ﴿وَلَا تُتَّخَذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ (نساء: ۴/۲۵) از عذابی سخن گفته شده که به تصریح مفسران، مقصود تازیانه است. این عذاب مختص کنیزانی است که مرتکب زنا شدند و نصف عذابی که زنان آزاد و بی‌شوهر دارند، خواهند داشت و آن عبارت از پنجاه تازیانه است. بنابراین، مقصود از فاحشه در این آیه، زنا بوده که قبح آن در جامعه مسلمین آشکار بوده است. خداوند، فاعل فحشاء را به عذاب دنیوی که همان تازیانه است، محکوم می‌کند. خداوند در آیه ﴿وَالَّذِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۴/۱۵)، حبس در خانه تا زمان مرگ را- پس از بیان اثبات زنا از زن مسلمان- یکی از پیامدهای فحشاء با مصداق زنا بر شمرده است. آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳/۳۰) در خطاب به زنان پیامبر، هشدار می‌دهد که در صورت ارتکاب آنان به فاحشه مبینه، به سبب نقش الگویی آنان در

جامعه، محکوم به دو برابر عذاب می‌شوند. واژه عذاب در این آیه به دلیل عام بیان شدن عذاب «يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ»، کیفر دنیوی و اخروی را شامل می‌شود. در این آیات، عذاب دنیوی و اخروی با هم آیند فحشاء در جامعه مسلمان است.

طبق آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجْبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور: ۱۹/۲۴) نیز، عذاب دنیوی و اخروی مستوجب کسانی است که دوست دارند، فاحشه در میان مسلمانان شایع شود. سببی در آیه وجود ندارد که عذاب در دنیا را حمل بر حد کنیم، چون دوست داشتن شیوع گناه در میان مؤمنین حد نمی‌آورد. از نظر علامه طباطبایی، مقصود از فاحشه در این آیه مطلق فحشاء است (چون زنا و قذف و امثال آن) و منافقان را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۹۳). عاقبت قوم لوط که زشتکاری آنان به گونه‌ای زننده بود که در میان هیچ قومی سابقه نداشت و مصداقی از فحشاء در قرآن کریم است (عنکبوت: ۲۸/۲۹)، بارانی از سنگ بود تا آیت و نشانه‌ای برای دیگران باشد (شعراء: ۱۶۰-۱۶۴). به همین جهت، ارتکاب فحشاء در جامعه غیرمؤمن، منجر به وقوع عذاب الهی و هلاکت است. با توجه به مضمون آیات، عذاب دنیوی پیامد ارتکاب فحشا، حبس در خانه، تازیانه، استیصال و سپس، هلاکت است. بنابراین، آنچه در قرآن کریم درباره عذاب و عقوبت دنیوی و اخروی فاحشه در جامعه مؤمن و غیر آن حکایت شده است، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

مجازات مؤمن	مجازات منافق (در جامعه مسلمان)	مجازات کافر
<ul style="list-style-type: none"> ● فحشاء با مصداق زنا: حبس در خانه، تازیانه (همراه با سخن از بخشایش و عفو الهی)، حد کنیز: نصف زنان آزاد ● فاحشه برای زنان پیامبر: دو برابر عذاب دنیوی و اخروی (و در صورت اطاعت، دو برابر پاداش) 	<ul style="list-style-type: none"> ● علاقه به شیوع فاحشه در بطن اجتماع: عذاب سخت دنیوی و اخروی 	<ul style="list-style-type: none"> ● فحشاء با مصداق لواط: هلاکت دنیوی و عذاب اخروی

۵-۳-۴- اطاعت و تمکین از امر خدا

بافت آیات فحشاء و باهم‌آیندهای آن، از نیروی خودکنترلی و عدم اصرار بر گناه در اهل ایمان حکایت دارد و عوامل بازدارنده از ارتکاب به فحشاء را برمی‌شمرد که عبارتند از: اقامه نماز، رؤیت برهان، اخلاص و فضل الهی. در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۳-۴-۱- اجتناب و خودکنترلی اهل ایمان

در بیان قرآنی، در مقابل افرادی که از امر شیطان در مسأله فحشاء اطاعت می‌کنند، شاهد رفتار گروهی هستیم که حسب امر خداوند با خویشنداری و خودکنترلی در رعایت حدود الهی، جانب اعتدال را رعایت می‌کنند. این مسأله در باهم‌آیی ماده «اجتناب» با «فحشاء» قابل بررسی است که می‌تواند نشانی از معنای دریافتی از بررسی ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی باشد؛ عدم تأخیر در برابر امر الهی و یا شتاب نداشتن در برابر امر شیطان. واژه «يَجْتَنِبُونَ» در عبارت «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ» (شوری: ۳۷/۴۲) با فاعلیت اهل ایمان در هم‌نشینی با مشتقات فحش، حاصل نیروی خودکنترلی اهل ایمان است و بررسی آنچه اهل ایمان را در مسیر این خویشنداری یاری می‌کنند، می‌تواند حائز اهمیت باشد. در آیات ۳۸ و ۳۹ سوره شوری به ممیزهای دیگری از آنها اشاره می‌کند که عبارتند از: اقامه نماز «أَقَامُوا الصَّلَاةَ». مشورت کردن «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»، انفاق از روزی «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» و یاری طلبیدن از مؤمنان در زمان ستم «إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ».

۵-۳-۴-۲- اقامه نماز

در باهم‌آیی «صلاة» با فحشاء در آیه «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۲۹/۴۵)، هم‌نشینی «الصلاة» با «أقم» دلالت بر مفهوم نماز از بین معانی متفاوت واژه «صلاة» در قرآن دارد. مضمون آیه، قدرت بازداري طبيعت نماز را از فحشاء و منکر بیان می‌کند. علامه طباطبایی این بازداري را به نحو اقتضاء، و نه علیت تامه، می‌داند به این معنا که توجه به خدا از در بندگی، طبیعتاً باید انسان را از هر معصیت کبیره و هر عملی که ذوق دینی، آن را شنیع می‌داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جان‌ها و به مال ایتام، زنا و لواط باز بدارد. نه تنها از ارتکاب آنها، بلکه از تلقین آن نیز جلوگیری کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۹۸). این آیه به اثرات یاد خدا به عنوان عاملی قوی‌تر از نماز در بازدارندگی از انواع فحشاء و منکرات اشاره دارد.

۵-۳-۴-۳- رؤیت برهان

با توجه به آیه «وَلَقَدْ هَمَمْتُ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۱۲/۲۴)، رؤیت «برهان» سبب دوری از فحشاء می‌شود و از همین روی، این مفهوم می‌تواند در تدقیق بافت معنایی فحشاء یاری رساند. به گفته راغب، کلمه «برهان» به معنای بیان دلیل است و این کلمه بر وزن فعلان مانند رُجِحان و تُنیان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۲۱). طباطبایی در تفسیر خود این واژه را مصدر دانسته که در معنای فاعل استعمال می‌شود و این وقتی است که خود دلیل و حجت را برهان بخوانند؛ یعنی روشن‌کننده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۱۹). برای فهم دقیق‌تر برهان

در آیه ۲۴ سوره یوسف، لازم است به بررسی اجمالی کاربرد این واژه در قرآن کریم پردازیم. در همین راستا، در قرآن کریم با دو گونه از آیات مواجه هستیم؛ نخست آیاتی مانند آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (نساء: ۱۷۴/۴)، به آمدن برهان از جانب پروردگار برای مردم اشاره می‌کند که علامه طباطبایی ذیل این آیه، برهان را قرآن یا به احتمال قوی‌تر رسول دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۰). همچنین، در آیه ﴿أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اصْنُمُّمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ﴾ (قصص: ۳۲/۲۸)، عصا و ید بیضاء حضرت موسی (ع)، دو برهان کامل و معجزه بزرگ الهی بر رسالت ایشان بیان شده است. در این آیات برهان در باهم‌آیندی با واژه «رَبِّ» آمده است.

در گونه‌ای دیگر از آیات، بر دعوی بت پرستان در شریک قائل شدن برای خداوند، دلیل و برهان خواسته شده است (بقره: ۲۴/۲ و ۶۴؛ یوسف: ۱۱۷/۱۲؛ نمل: ۶۲/۲۷) یا ادعای بدون دلیل عقل فطری را محکوم دانسته و پذیرش هر عقیده‌ای را مبتنی بر داشتن دلیل می‌داند (بقره: ۱۱۱/۲؛ انبیاء: ۲۴/۲۱). در این دسته از آیات، هم‌نشینی واژه «رَبِّ» دیده نمی‌شود. با توجه به مضمون این آیات، «برهان» در این دسته از آیات به معنای دلیل قاطع و عقل فطری است.

در آیه ﴿لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ﴾ (یوسف: ۲۴/۱۲) اجتناب حضرت یوسف (ع) از فحشاء به سبب برهان اعطایی از جانب پروردگار بوده است. باهم‌آیندی برهان در این آیات با واژه «رَبِّ» می‌تواند حاکی از مشابهت این نوع برهان با گونه نخست باشد. هم‌نشینی فعل «رَأَى» با برهان نیز شاهی بر آن است که برهان در این آیه امری فراتر از عقل فطری است. بنابراین، در این آیه، می‌توان برهان را حجتی واضح و شهودی برای آن حضرت دانست. علامه طباطبایی در تبیین آیه، برهان را نوعی علم شهودی می‌داند که خداوند به بندگان مخلص ارائه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۱۷۳). توجه به مفهوم اخلاص در این آیه نیز، از این منظر ضروری است. لغویون آن را به معنای پاک-شدن و سالم‌گشتن از آمیختگی دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۶/ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۹۲/ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰۳). طبق آیه ۲۴ سوره یوسف، اخلاص شخص می‌تواند سبب رؤیت برهان الهی شده و او را از ارتکاب فحشاء بازدارد. دقت در مضمون آیه حاکی از آن است که رؤیت برهان به سبب اخلاص آن جناب بوده و به همین دلیل، مختص انبیاء نخواهد بود و هر فرد در اطاعت‌پذیری از فرمان خداوند متعال و طی مراحل اخلاص در بندگی به مرحله‌ای می‌رسد که در بزنگاه‌های زندگی از امداد خاص الهی بهره می‌برد.

۵-۳-۴- امید به فضل و مغفرت الهی

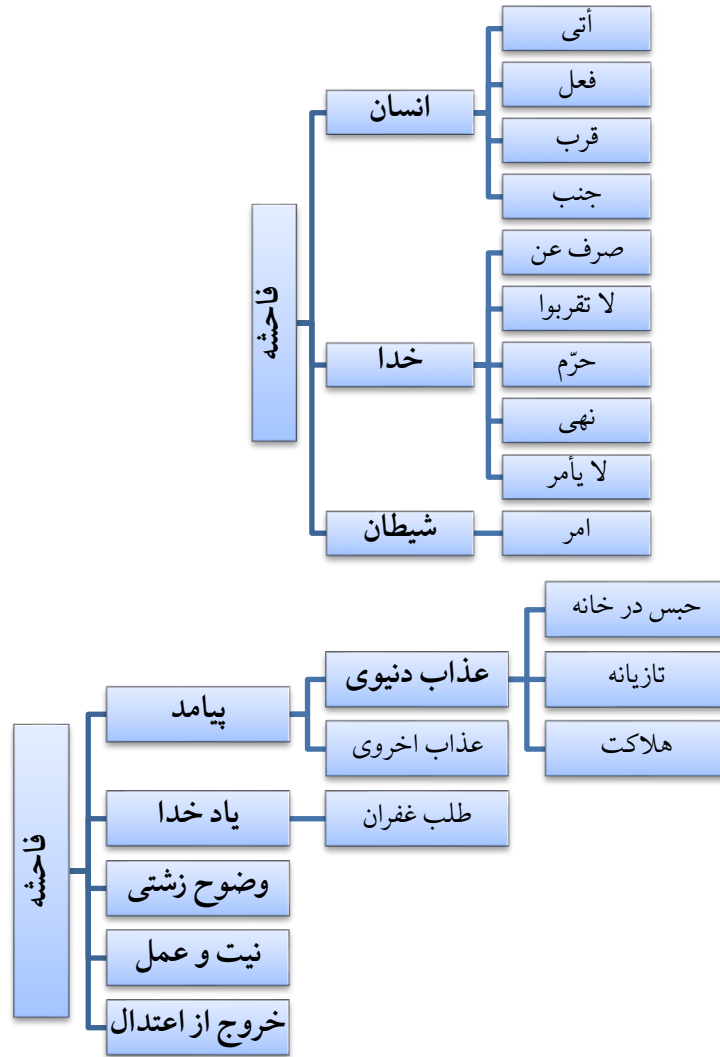
با توجه به بافت آیات فحشاء در قرآن کریم، هیچ‌یک از افراد از ارتکاب آن مصون نیستند. خداوند متعال در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾ (نور: ۲۴/۲۱)، تبعیت هر انسان مؤمن از خطوات شیطان را سبب ارتکاب او به فحشاء می‌داند. انبیاء

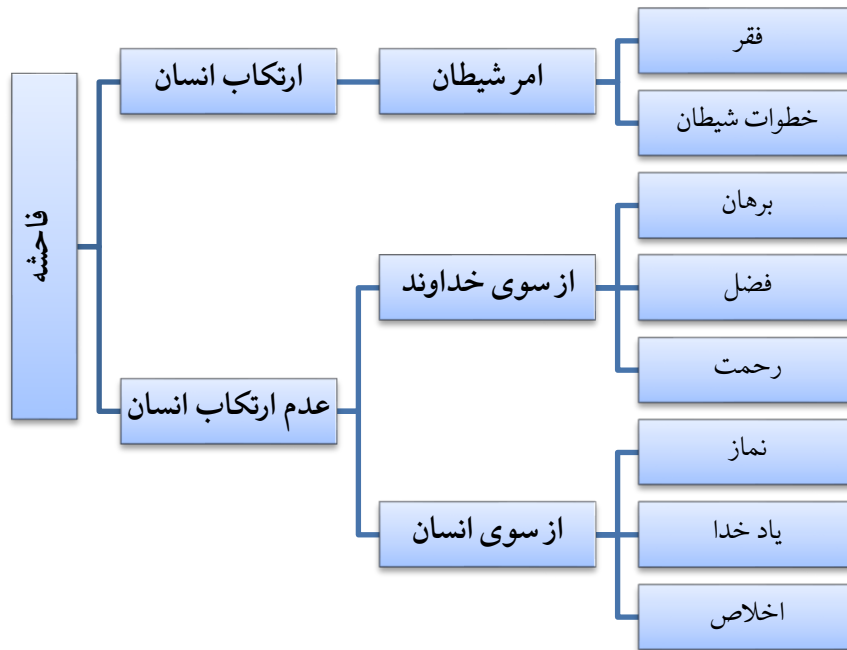
الهی نیز به سبب اعطای برهان الهی و اخلاص خود، از فحشاء دور می‌مانند: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ (یوسف: ۲۴/۱۲). در آیه ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ (آل عمران: ۱۳۵/۳) نیز، خداوند ظلم به نفس و فحشاء را به محسنین منسوب کرده است؛ اما متقین و محسنین در صورت ارتکاب به فحشاء بلافاصله استغفار می‌کنند. در آیه اخیر و ۳۱ از سوره نجم سخن از استغفار محسنین در پی ارتکاب فاحشه است. براین آیات حاکی از آن است که محسنین و متقین اصرار بر تکرار آگاهانه آن ندارند.

از دیگر مفاهیم موجود در بافت آیات فحشاء، مفهوم غفران است. ریشه (غ/ف/ر) در ۳ آیه باهم آیند فحشاء و مشتقات آن است (آل عمران: ۱۳۵/۳، شوری: ۳۷/۴۲، نجم: ۳۲/۵۳). در یک آیه، خبر از کنترل غضب در آنان و بخشایش دیگران می‌دهد (شوری: ۳۷/۴۲). در دو آیه دیگر، مفهوم غفران در ارتباط اشتدادی با فحشاء، از طلب غفران برخی از مؤمنان حکایت می‌کند (آل عمران: ۱۳۵/۳؛ نجم: ۳۲/۵۳). در آیه ۱۳۵ سوره آل عمران، ذکر و یاد خدا در قلب محسنین، پلی برای عبور از فاحشه به سمت استغفار خداوند متعال بیان شده است. عبارت «ذَكَرُوا اللَّهَ» دلالت دارد بر اینکه ملاک در استغفار یاد خداوند است و نه صرفاً به زبان آوردن کلمه «استغفر الله» که به مجرد عادت از زبان جاری شود (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹). آیات ۳۷ شوری و ۳۲ نجم نیز، از اجتناب محسنین از فواحش «إِلَّا اللَّئِمَّ» و استغفار آنان حکایت دارد.

بافت آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۶۸/۲) حاکی از تقابل معنای فحشاء و فضل است. در آیه مزبور شاهد مواجهه اهل ایمان در برابر امر شیطان هستیم که با ترساندن ایشان از فقر، ایشان را از انفاق و زکات باز می‌دارد و در مقابل، خداوند برای ترغیب مؤمنان به انفاق و پرهیز از بخل‌ورزی در این زمینه، به ایشان وعده فضل خویش را می‌دهد و به نوعی، شاهد تقابل معنایی در فحشاء و فضل هستیم. در مورد فحشاء، پیش‌تر اشاره شد که در آراء لغویان، لبریزکردن حوض از آب و پُرکردن توشه‌دان از توشه یکی از معانی‌ای است که در یافت‌های ریشه‌شناسی قابل رؤیت است و مفهوم زیادت و فزونی را در بر دارد. این زیادت و فزونی در مورد فضل نیز، در آراء لغویان قابل ردیابی است. فراهیدی و ازهری فضل را ضد نقص و زیادت معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۳/ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ص ۱۸۸)، اما زیادتی که شیطان وعده آن را می‌دهد، با فضل و زیادتی که از جانب خداوند به انسان می‌رسد، قابل قیاس نیست.

۶- ترسیم شبکه معنایی فاحشه





۷- تحلیل شبکه معنایی فاحشه قرآن کریم

در این مطالعه کوشش کردیم با کاربری روش‌های معناشناسی مانند ریشه‌شناسی و بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی، به تدقیق معنای فاحشه در قرآن کریم بپردازیم. ریشه‌شناسی نشان داد مفاهیمی مانند عجله‌کردن، از حد گذراندن و تأخیرداشتن و کندی‌کردن در زبان‌های اکدی، عبری و آرامی، نشان از کاربرد مفهوم خروج از اعتدال ذکر شده در نظرات لغویون متقدم در زبان‌های سامی است. بر اساس انحصار معنای عدم موافقت به حق در نظرات لغت‌شناسان متقدم و نبود هم‌زادها در زبان نیای عربی در این معنا و شواهدی همچون عدم تصریف این واژه در زبان عربی، می‌توان گفت که این معناسازی از فاحشه (عدم موافقت با حق) احتمالاً در زمانی نزدیک به نزول قرآن اتفاق افتاده است یا نشانی از کاربری آن در فرهنگ قرآنی است.

عبارت «ما ظَهَرَ مِنْهَا وَ ما بَطَّنَ» در آیه ۱۵۱ سوره انعام، در باهم‌آیندی با فواحش نشان از تقسیم آن، به دو گونه پیدا و پنهان دارد و سیاق آیات و روایت امام صادق (ع)، ارتکاب فاحشه در نیت را تصدیق می‌کند. ترس از فقر (وسوسه‌های درونی) و گام به گام سوق‌دادن انسان، دو ابزار شیطان در نیل انسان به فحشاء است. هم‌نشینی مفاهیمی مانند: ظلم، بغی و کبائر الاثم در هم‌نشینی با بافت معنایی فحشاء می‌تواند شاهی جهت ارزیابی مفهوم خروج از اعتدال در دریافت‌های ریشه‌شناسی باشد.

با توجه به بافت آیات فحشاء در قرآن کریم، هیچ‌یک از افراد از ارتکاب به آن مصون نیستند. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره نور تبعیت هر انسان مؤمن از خطوات شیطان را سبب ارتکاب فحشاء دانسته است. مطابق آیه ۲۴ سوره یوسف، انبیاء الهی نیز به سبب اعطای برهان الهی و اخلاص خود، از آن دور می‌مانند. در آیه ۱۳۵

آل‌عمران نیز، خداوند متعال ظلم به نفس و فحشاء را به محسنین منسوب کرده است و از استغفار آن‌ها در پی آن خبر می‌دهد.

از یک سو، امر شیطان به فحشاء با بهره‌گیری از ابزارهای متفاوت و از سوی دیگر، امر خداوند به عدم پیروی از خطوات شیطان در نیل به فحشاء، شواهدی بر لزوم وجود بستر و مقدمات ارتکاب آن در جامعه مسلمین است؛ درحالی‌که قرآن کریم از امکان سنت و فرهنگ شدن فحشاء در جامعه غیر مسلمان سخن می‌گوید. باهم‌آیندی مفاهیمی مانند: «لا یأْمُرُ» (اعراف: ۲۸ / ۷)، «حَرَّمَ» (اعراف: ۳۳ / ۷)، «یَنْهَى» (نحل: ۹۰ / ۱۶) و «لا تَقْرَبُوا» (اسراء: ۳۲ / ۱۷) از سوی خداوند، نشان از نهی و منع الهی در خصوص این مسأله است. حبس در خانه، تازیانه و هلاکت، از عذاب‌های دنیوی در پی ارتکاب فاحشه است و آیات حکایت از عذاب‌های اخروی نیز دارد. در مقابل افرادی که از امر شیطان در مسأله فحشاء اطاعت می‌کنند، در بیان قرآنی شاهد رفتار گروهی هستیم که حسب امر خداوند با خویشتنداری و خودکنترلی در رعایت حدود الهی، جانب اعتدال را رعایت می‌کنند.

«صلاة»، «برهان»، «اخلاص» و «فضل» عوامل بازدارنده در ارتکاب فحشاء و «ذکر الله» سبب نهی از آن پیش از ارتکاب (عنکبوت: ۴۵ / ۲۹) و پلی به سمت استغفار در پی ارتکاب (آل‌عمران: ۱۳۵ / ۳) است. به همین دلیل، یاد خدا عاملی نیرومندتر از آنان بیان شده است. دقت در آیات بیانگر تقابل فضل و رحمت با فحشاء است. از این رو، می‌توان به بازدارندگی صلاة و اخلاص از سوی بنده و برهان، فضل و رحمت از سوی رب در دوری از فحشاء اشاره کرد.

برای صورت‌بندی مفهوم گناه در قرآن و جستجوی الگوهای مختلف آن، لازم است دیگر مفاهیم این حوزه با این رویکرد تحلیل شود تا بتوان درکی دقیق‌تر و متفاوت از درک امروزین گناه برایمان حاصل شود و از این رهگذر می‌توان به الگوی جامع چند سطحی از گناه دست یافت.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. آذرنوش، آذرتاش؛ زبان قرآن؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۲. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهاية فی غریب الحدیث و الأثر؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۶ش.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر؛ تونس: الدار التونسیة للنشر، ۱۹۸۴م.
۵. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. _____؛ الصاحبی فی فقه اللغة و سنن العرب؛ بیروت: مؤسسة ابدران، ۱۹۶۳م.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۰۴ق.
۸. ابو عبید، قاسم بن سلام؛ رسالة ما ورد فی القرآن من لغات القبائل؛ قاهره: بی نا، ۱۳۱۰ق.
۹. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۰. پاکتچی، احمد؛ «ریشه‌شناسی واژه قرآنی قیوم»؛ مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۹، ۱۳۹۰ش، صص ۵-۲۶.
۱۱. _____؛ «رویگردی ریشه‌شناختی به ماده قرآنی عزم»؛ مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۲، ۱۳۹۶ش، صص ۱-۲۲.
۱۲. پالمر، فرانک رابرت؛ نگاه‌های تازه به معنی‌شناسی؛ ترجمه: کوروش صفوی، تهران: کتاب ماد، ۱۳۷۴ش.
۱۳. ثعالبی، عبدالملک بن محمد؛ فقه اللغة؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ به کوشش: احمد عبدالغفور عطّار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۵. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۶. خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۷. خمینی، روح الله؛ شرح چهل حدیث؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رهنما، هادی؛ معناشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش.
۲۰. زبیدی، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۱. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۶ق.
۲۲. _____؛ مقدمة الأدب؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ش.
۲۳. _____؛ الفائق فی غریب الحدیث؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۴. سیبویه، عمرو بن عثمان؛ کتاب؛ تحقیق: احمد حسن مهدلی و علی سید علی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۹م.
۲۶. _____؛ المزهرة فی علوم اللغة و انواعها؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.

۲۷. صاحب، اسماعیل بن عباد؛ *المحیط فی اللغة*؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۲۸. صفوی، کوروش؛ *درآمدی بر معنی شناسی*؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷ش.
۲۹. _____؛ *فرهنگ توصیفی معنی شناسی*؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹ش.
۳۰. صینی، اسماعیل؛ *المکنز العربی المعاصر*؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۴۱۴ق.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ *مجمع البحرین و مطلع النیرین*؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۵. عسکری، حسن بن عبدالله؛ *الفروق فی اللغة*؛ بیروت: دار الآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ق.
۳۶. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*؛ بیروت: دار التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۷. قانع، احمد علی؛ «روش پیجویی مفاهیم مدرن در متون دینی»؛ نشریه دین و ارتباطات، شماره ۵۱، ۱۳۹۶ش، صص ۵-۳۵.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحیط*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۹. قرشی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۴۰. کاشانی، ملافتح الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶ش.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۲. لاینز، جان؛ *درآمدی بر معنی شناسی زبان*؛ ترجمه: کوروش صفوی، تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۹۱ش.
۴۳. مراغی، احمد مصطفی؛ *التفسیر*؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
۴۴. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ق.
45. Beeston, A.F.L, *Sabaic Dictionary (English-french-arabic)*, Louvain: peerters, 1982.
46. Black, J, *A Concise Dictionaty of Akkadian*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000.
47. Gesenius, W, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt*, tr: E Robinson, ed. F. Brown: Oxford University Press, 1939.
48. Leslau, W, *Comparative Dictionary of Geez (classical Ethiopic)*, A Hebrew and English Wiesbaden: Harrassowitz, 1991.
49. Jastrow, M, *A dictionary of the Targumim*, the Talmud Babli and Yeushalmi, and the Midrashic Literature, New York: G.p. putnams Sons, Vol.2, 1903.
50. Dalman, GH, *Aramaish-Neuhebraisches Worterbruch zu Targum*, Talmud und Midrash, Frankfurt: M. J. Kauffmann, 1901.
51. Lipniski, Edward, SIN, *Encyclopdia Judaica, Micheal Berenbau*, New York: Macmillan Reference, 2007.